

ضرورت تشکیل اندیشکده‌های چپ ایران

آرش برومند

چکیده

در این مقاله در ابتدا اشاره‌ای کوتاه به ویژگی‌های دوران حاضر می‌شود. سپس توضیحی فشرده درباره اندیشکده‌ها و جایگاه‌شان در حال حاضر ارائه می‌شود. در ادامه به وضع اندیشکده‌ها در ایران پرداخته شده و در پایان ضرورت تشکیل اندیشکده‌های چپ ایران، مانع‌های موجود بر سر راه آنها و برخی راهکارها برای بحث مطرح می‌شوند.

در چه عصری زندگی می‌کنیم؟

معمولاً رسم است که یک برهه از تاریخ را به وسیله مهم‌ترین پدیده، دستاورد و یا روند اجتماعی در این برهه خصلت‌نمایی می‌کنند -مانند عصر حجر، عصر مفرغ، عصر انقلاب صنعتی، عصر اتم ... به عصری که در آن به سر می‌بریم نیز تا کنون عنوان‌های متفاوتی داده شده است، نظیر عصر انقلاب انفورماتیک، عصر جهانی شدن، عصر هوش مصنوعی و ... آنچه در میان اکثر این عنوان‌ها برای عصر حاضر مشترک و برجسته است، نقش دانش و فناوری است. علت این امر را در پیشرفت‌های شگفت‌آور دانش در یک سده اخیر باید جست. برخی از دانشمندان بر این باورند که حجم دستاوردهای علمی جامعه بشری در یک سده گذشته برابر با حجم تحولات در مجموعه‌ی تاریخ شناخته شده بشر از ابتدا تا به آغاز سده بیستم است.

این پیشرفت چشمگیر علم و دانش بطور عمده بر اثر الزامات مناسبات سرمایه‌داری به دست آمده است. مناسبات سرمایه‌داری به منظور کسب سود هر چه بیشتر فاصله‌ی دانش و اقتصاد را در سده‌ی گذشته بطور فزاینده‌ای کوتاه کرده است. همراه با گسترش فزاینده‌ی شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری به دورترین نقطه‌های جامعه، دانش و فناوری نیز به این مکان‌ها رسوخ یافته و ابزار تولید را بگونه‌ای انقلابی دگرگون کرده‌اند. یکی از پیامدهای مهم مدرن شدن ابزار تولید، تخصصی شدن کارها، جزءکاری و تقسیم کار فزاینده است. سرمایه‌داران و کارگزاران‌شان خیلی زود ظرفیت این تقسیم کار و کار تخصصی برای سودافزایی را تشخیص داده و از آن بهره‌گیری کردند. برای نمونه اوایل سال ۱۷۲۰ در گزارشی با عنوان «مزایای تجارت هند شرقی» به این نکته اشاره شده که «هر چه بیشتر یک کار پرتنوع دسته‌بندی و بین صنعتگران جزءکارگونگون تقسیم شود، ضرورتاً می‌بایست بهتر و سریع‌تر انجام گیرد، با اتلاف وقت و کار کمتر». ^۱ از آن زمان که مارکس در نگارش «کاپیتال» بر مساله تقسیم و تخصصی شدن کار به مثابه ویژگی تولید صنعتی انگشت نهاده بود، زمان بسیاری گذشته و تا کنون تحولات شگرفی در شیوه و سازمان تولید سرمایه‌داری رخ داده است. روند رسوخ دانش در این مناسبات، تخصصی شدن کارها و تقسیم کار را به چنان درجه‌ای از تکامل رسانده که امروزه کارشناسان و دانشمندان به جزء جدایی‌ناپذیر نیروهای مولده تبدیل شده‌اند. اینک همه موسسه‌های بزرگ اقتصادی و اکثر شرکت‌های متوسط در کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری، در رقابت برای حفظ جایگاه خود در

بازارهای جهانی شده، صاحب مرکزهای پژوهشی و ستادهای کارشناسی‌اند. روند تخصصی شدن امور علاوه بر پهنه‌ی زیربنایی در این کشورها، در پهنه‌ی روبنایی، از جمله در نهادهای حکومتی، رسانه‌ها و جامعه‌ی مدنی نیز به درجه‌های مختلف پیش رفته است. پدید آمدن اندیشکده‌ها از سده‌ی ۱۹ و رشد شتابان آنان در سده‌ی بیستم انعکاسی از این واقعیت است.

اندیشکده چیست؟ چه نقش و کارکردی دارد؟

در زبان فارسی واژه‌های «اندیشکده»، «اتاق فکری» و «کارگاه اندیشه‌سازی» بعنوان همسان برای مفهوم انگلیسی Think Tank به کار برده شده که البته در سالیان اخیر بیشتر از واژه‌ی اندیشکده استفاده شده است. از اندیشکده، پیشینه و ریشه آن، تعریف‌های نزدیک به هم، اما ناواحدی در دست است.

فرهنگ‌نامه‌ی بریتانیکا اندیشکده را به صورت زیر تعریف کرده است:

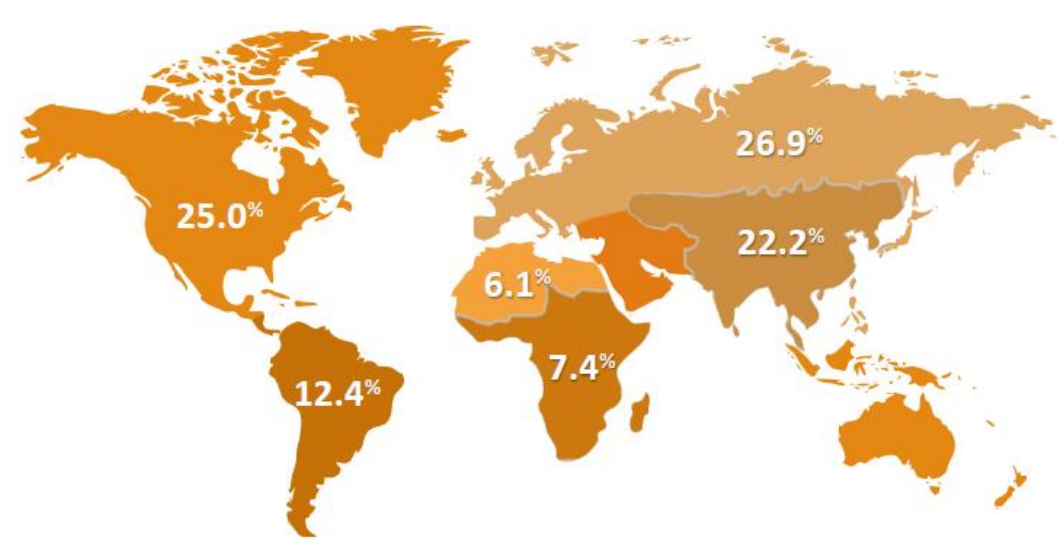
«اندیشکده، موسسه، بنگاه یا گروهی است که برای پژوهش میان رشته‌ای از راه کاربست دانش تخصصی و فعال کردن شبکه‌ها، با هدف ارائه خدمات مشورتی در زمینه مسایل و فرآورده‌های سیاسی، سازماندهی شده است... مفهوم اندیشکده اولین بار در واژگان تخصصی نظامی در جریان جنگ دوم جهانی در مورد مکان مطمئنی به کار برده شد که در آنجا برنامه‌ها و استراتژی‌ها مورد بحث قرار می‌گرفتند. معنای آن اما در سال‌های دهه ۱۹۶۰ [میلادی]، هنگامی که ایالات متحد این مفهوم را برای سازمان‌های خصوصی عام‌المنفعه در پژوهش امور سیاست به کار برد، شروع به تغییر کرد.»^۲

ولی در بسیاری از تعریف‌ها بر این نکته اتفاق نظر وجود دارد که اندیشکده به موسسه‌ای گفته می‌شود که با پژوهش و ارائه طرح‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و استراتژی‌های درخور، در شکل‌دهی به افکار عمومی و یا گروه‌های اجتماعی و نیز مشورت‌دهی به افراد، گروه‌ها یا دیگر نهادها یاری می‌رساند.

از آنجا که مفهوم اندیشکده در طول تاریخ دگرگون شده است، بر سر تعیین پیشینه‌ی دقیق آن اتفاق نظر وجود ندارد. برخی پیشینه اندیشکده‌ها را به «آکادمی» افلاطون نسبت می‌دهند.^۳ فرهنگ‌نامه‌ی بریتانیکا پیشینه‌ی اندیشکده را به جامعه‌ی سوسیالیستی فابینیست‌ها در سال ۱۸۸۴ متصل می‌کند.^۴ منبع دیگر، ایجاد موسسه «Royal United Services» در سال ۱۸۳۱ توسط دوک ولینگتون انگلیسی را پیش‌درآمد ایجاد اندیشکده‌ها برمی‌شمرد.^۵ اما آنچه که با قاطعیت می‌توان گفت آن است که براساس سندهای موجود بخش مهم اندیشکده‌ها در جهان، از نیمه‌ی دوم سده‌ی بیستم شروع به کار کرده‌اند. گفته می‌شود که اصطلاح «اندیشکده» در جریان جنگ دوم جهانی به‌وجود آمده است. منظور اتاق‌های مصون از شنودی بوده است که در آن کارشناسان به طراحی طرح‌های استراتژیک نظامی می‌پرداخته‌اند؛ به عبارتی مکانی محفوظ برای کار فکری که چون تانک محکم و ضربه ناپذیر بوده است. نخست در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بوده که این اصطلاح به موسسه‌های پژوهشی کاربردی در خارج از محدوده‌ی سیاست امنیتی نیز اطلاق شده است.^۶ همسان این اصطلاح در زبان فارسی، یعنی واژه‌ی اندیشکده بیشتر با موضوع و کارکرد امروزی چنین موسسه‌هایی همخوانی دارد.

در حال حاضر برآورد می‌شود که ۸۲۴۸ اندیشکده در سراسر جهان وجود دارند. اروپا با ۲۲۱۹ واحد یعنی حدود ۲۷ درصد در جایگاه نخست قرار دارد؛ آمریکای شمالی با ۲۰۵۸ واحد (یعنی ۲۵ درصد) در مقام دوم که از این تعداد ۱۸۷۱ واحد از این اندیشکده‌ها، تنها در ایالات متحد است (یعنی حدود ۲۳ درصد).

تصویر زیر پراکندگی جغرافیایی اندیشکده‌ها را در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد.^۷



دانشگاه پنسیلوانیا که از سال ۲۰۰۶ بطور سالانه نتیجه پژوهش‌های خود درباره‌ی اندیشکده‌ها را منتشر می‌کند، به رده‌بندی این اندیشکده‌ها در گستره‌های مختلف می‌پردازد. جدول زیر بیست اندیشکده‌ی برتر جهان را در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که توسط نگارنده با سال بنیادگذاری تکمیل شده است.^۸

| رتبه | اندیشکده | کشور | سال بنیادگذاری |
|------|---|---------------------|----------------|
| 1 | Carnegie Endowment for International Peace | ایالات متحده آمریکا | 1910 |
| 2 | Bruegel | بلژیک | 2002 |
| 3 | French Institute of International Relations (IFRI) | فرانسه | 1974 |
| 4 | Center for Strategic and International Studies (CSIS) | ایالات متحده آمریکا | 1962 |
| 5 | Fundação Getulio Vargas (FGV) | برزیل | 1944 |
| 6 | Chatham House | بریتانیا | 1920 |
| 7 | International Institute for Strategic Studies (IISS) | بریتانیا | 1958 |
| 8 | Heritage Foundation | ایالات متحده آمریکا | 1973 |
| 9 | Peterson Institute for International Economics (PIIE) | ایالات متحده آمریکا | 1981 |
| 10 | Wilson Center, FKA Woodrow Wilson International Center for Scholars | ایالات متحده آمریکا | 1968 |
| 11 | Center for American Progress (CAP) | ایالات متحده آمریکا | 2003 |
| 12 | RAND Corporation | ایالات متحده آمریکا | 1948 |
| 13 | Japan Institute of International Affairs (JIJA) | ژاپن | 1959 |
| 14 | Fraser Institute | کانادا | 1974 |
| 15 | Konrad Adenauer Foundation (KAS) | جمهوری فدرال آلمان | 1955 |
| 16 | Council on Foreign Relations (CFR) | ایالات متحده آمریکا | 1921 |
| 17 | Friedrich Ebert Foundation (FES) | جمهوری فدرال آلمان | 1925 |
| 18 | China Institutes of Contemporary International Relations (CICIR) | چین | 1965 |
| 19 | Korea Development Institute (KDI) | جمهوری کره | 1971 |
| 20 | Cato Institute | ایالات متحده آمریکا | 1977 |

جدول شماره 1

منبعی دیگر ۴۵ واحد از بهترین اندیشکده‌ها در زمینه‌ی مسایل سیاست خارجی و امنیتی را برشمرده است.⁹

امروزه به دلیل تنوع اندیشکده‌ها، دسته‌بندی آنها به منظور بررسی و مقایسه‌ی آنها ضروری شده است. «برنامه اندیشکده و جوامع مدنی دانشگاه پنسیلوانیا»، که از معتبرترین نهادهای پژوهش‌گر درباره‌ی اندیشکده‌ها است، دسته‌بندی زیر را درباره‌ی اندیشکده‌ها ارائه می‌دهد¹⁰:

| تعریف | دسته‌بندی |
|--|-----------------------|
| استقلال چشمگیر از هر گروه وابسته و تأمین‌کننده مالی و مستقل در عملکرد و تأمین مالی از حکومت | مستقل |
| مستقل از حکومت ولی تحت کنترل گروه‌های وابسته، تأمین‌کننده مالی و یا موسسات طرف قرارداد که بخش بزرگی از تأمین مالی را فراهم می‌کنند و تأثیر زیادی بر عملکرد اندیشکده دارند. | شبه مستقل |
| بخشی از ساختار رسمی حکومت | وابسته به حکومت |
| منحصراً از کمک‌های مالی و قراردادهای حکومتی تأمین مالی می‌شوند ولی بخشی از ساختار رسمی حکومت نیستند | شبه حکومتی |
| مرکز پژوهش‌های سیاسی در یک دانشگاه | وابسته به دانشگاه |
| به صورت رسمی وابسته به یک حزب سیاسی هستند | وابسته به احزاب سیاسی |
| سازمان پژوهش سیاست‌گذاری عمومی انتفاعی وابسته به یک شرکت، یا منحصراً بر مبنای انتفاع فعالیت می‌کند. | شرکتی (سودمحور) |

جدول شماره 2

البته دسته‌بندی‌های دیگر و شکل‌های مختلطی نیز وجود دارد که محور بحث این مقاله نبوده و جای پرداختن به آنها در این مختصر نیست.

اندیشکده‌ها در ایران

اندیشکده پدیده‌ی تقریباً نوینی در ایران به شمار می‌آید. در مقایسه با اروپا و ایالات متحد آمریکا، چنین نهادی در ایران نوپا است. متأسفانه موفق به یافتن پژوهشی درباره‌ی تاریخ و پیشینه‌ی اندیشکده‌ها در ایران نشده‌ام. از روی برخی شاهدها و کارکردها می‌توان نهادهای اندک‌شماری مانند «سازمان برنامه و بودجه» در زمان سلطنت پهلوی را به عنوان پیش نمونه‌ای از اندیشکده‌ها در ایران تلقی کرد. ولی با توجه به داده‌های موجود، می‌توان گفت که پدیده‌ی اندیشکده به مفهوم و با کارکرد امروزی آن از میانه‌ی دهه‌ی ۶۰ شمسی به بعد در ایران رشد کرده

است. بر اساس آمارهای «برنامه اندیشکده و جوامع مدنی دانشگاه پنسیلوانیا»، در حال حاضر ۶۴ اندیشکده در ایران وجود دارد و کشور ما از لحاظ شمار اندیشکده‌ها در جایگاه بیست و چهارم قرار می‌گیرد.

البته حکومت‌گران ایران، درباره‌ی جایگاه ایران، مانند همه موردهای دیگر، صرفاً به گزافه‌گویی می‌پردازند، که از واقعیت عینی بسیار دور است. از جمله مدیرکل تشکلهای اسلامی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی گفته است: «با وجود حدود ۶ هزار و ۸۵۰ اندیشکده در دنیا، ایران اسلامی با ۶۰ اندیشکده رتبه ۱۸ را دارد».¹¹ در میان این ۶۴ موسسه، نهادهایی شبیه «مرکز تحقیقات و مطالعات استراتژیک مجمع جهانی حضرت علی اصغر(ع)» نیز کم نیستند، که به جای آن که نقش اندیشکده را بازی کنند، بیشتر نقش یک «نان‌دانی» برای گروهی از رانت‌خواران حکومتی را دارند و کارشان بیشتر فعالیت در زمینه‌ی تبلیغاتی و امنیتی است.

فهرست ناقصی از اندیشکده‌های کشورمان را در نشریه‌ی «جامعه اندیشکده‌های ایران»¹² و ویکی‌پدیا به زبان فارسی¹³ می‌توان یافت. متأسفانه به دلیل وضعیت سیاسی در ایران، بخش عمده‌ی اندیشکده‌ها در کشورمان وابسته به حکومت‌اند. گونه‌های دیگر اندیشکده‌ها - که در جدول شماره ۲ برشمرده شده‌اند - به دلیل اختناق و سرکوب شدید، نمی‌توانند به وجود بیایند. پیش‌شرط کار موفقیت‌آمیز اندیشکده‌ها آزادی اندیشه و بیان است. در دولت تمامیت‌گرای جمهوری اسلامی با ساختار دین‌سالارانه‌ی ولایت فقیه‌ی، که هیچ اندیشه‌ای را خارج از چارچوب تنگ ایدئولوژیک‌اش بر نمی‌تابد، اندیشکده‌ها تنها به ابزاری برای تایید نظریه‌ی «رهبر» و «ولی فقیه» بدل می‌شوند.

متأسفانه نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور نیز که زیر ضریه‌ی مستقیم حکومت قرار ندارند، با مقوله‌ی اندیشکده بیگانه‌اند. به جز نیروی طرفدار سلطنت که نهادی به نام «پروژه‌ی فتنوس ایران» را ایجاد کرده¹⁴، نیروهای وابسته به طیف بورژوازی ملی ایران - از نوع مذهبی (ملی-مذهبی‌ها) و غیرمذهبی (مانند جبهه ملی) - و نیروهای طیف چپ فاقد هرگونه اندیشکده‌ای هستند.

ضرورت ایجاد اندیشکده‌های چپ در ایران

نگاهی به تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که حزب‌های چپ و کمونیست، در مرحله‌های مختلف تاریخی با ایجاد شعبه‌های مختلف در تشکیلات خود و یا انتشار نشریه‌های تئوریک، ساختارها و نهادهایی ایجاد کرده‌اند که کارکرد اندیشکده‌ای داشته، بدون آن که نام اندیشکده بر آن نهاده و یا با این مقوله آشنایی داشته باشند. این ساختارها و نهادها به دلیل آن که زیرمجموعه‌ای از تشکیلات سازمان‌ها و حزب‌های موجود بوده‌اند، بنا به دلیل‌های زیر پایدار نبوده‌اند:

1. مجاز نبودن در طرح اندیشه‌ها و تئوری‌هایی که با برنامه و یا خط مشی حزبی-سازمانی همخوانی نداشته است و در نتیجه رنج بردن از محدودیت‌های نظری

2. صدمه دیدن از تلاطم‌های زندگی درون حزبی-سازمانی، به ویژه با تغییرات در مثنی سیاسی-نظری و یا تغییرات تشکیلاتی

3. پرهیز و کناره‌گیری افراد مستقل و نیروهای سیاسی دیگر از این ساختارها و نهادها به دلیل چسبندگی شدید حزبی-سازمانی شان

سرکوب وحشیانه‌ی معنوی و فیزیکی نیروهای چپ در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی باعث نابودی ساختارهای تشکیلاتی - که کارکرد اندیشکده‌ای داشتند- در حزب‌ها و سازمان‌های چپ شد؛ آن هم درست در مقطع حساسی که:

- سرمایه‌داری جهانی دست به تهاجم نولیبرالی خود زده بود
- اردوگاه «سوسیالیسم واقعا موجود» از هم فروپاشیده بود
- موج نوین انقلاب علمی و فنی جهان را در هم می‌نوردید.

این نکته که در «پیشخوان» حزب‌ها و سازمان‌های چپ کشورمان، کتاب‌ها یا اثرهای پژوهشی درباره سه تحول اساسی اقتصادی-اجتماعی پیش‌گفته و پیامدهای فلسفی آنها به چشم نمی‌خورد، حکایت از این واقعیت تلخ دارد. از این هم تلخ‌تر آن است که برخی از حزب‌ها و سازمان‌های چپ هنوز هم در تحلیل وضعیت اجتماعی-اقتصادی پیش و پس از انقلاب اسلامی و مسایل فلسفی-نظری مرتبط با آنها عمدتاً به کتاب‌ها و اثرهایی که پیش از انقلاب اسلامی نوشته شده‌اند، رجوع می‌کنند؛ گویی زمین لرزه‌های دهشتناک اجتماعی-اقتصادی از کنار این اثرها بدون هیچ تاثیری گذر کرده‌اند و گویی این نظریه‌ها حکم آیه‌های آسمانی را داشته و در برابر داده‌های جدید درباره مقطع زمانی پیدایش این اثرهای کهنه، مصون از اصلاح و بازنگری‌اند.

واقعیت این است که اگر نیروی چپ قصد دارد به‌عنوان یک نیروی اثرگذار اجتماعی مطرح باشد و بخواهد به هژمونی فرهنگی دست یابد، ناگزیر به طرح نظریه‌های متناسب با زمان و فراخور شرایط جامعه ایران است. شیوه‌ی سنتی نظریه‌پردازی توسط تشکیلات حزبی-سازمانی در دنیای امروز که مدیریت گستره‌های گوناگون زندگی اجتماعی-اقتصادی-سیاسی بسیار پیچیده شده و نظر کارشناسی نقش کلیدی بازی می‌کند، دیگر پاسخگو نیست. بدون اندیشکده‌های چپ، سیاست‌گذاری موثر و دوام‌داری ممکن نیست. برای ایجاد چنین اندیشکده‌هایی چیرگی بر مشکلات زیر اجتناب ناپذیر است:

1. نبود آمادگی ذهنی: روشنگری درباره‌ی اهمیت اندیشکده‌ها و ترویج آگاهی ذهنی در افکار عمومی نیروهای چپ و در درون حزب‌ها و سازمان‌های موجود ضروری است.

2. دستگاه سرکوب پلیسی: بدیهی است که نظام دین‌سالار هر اقدام کوچکی در راستای اندیشکده‌های چپ را خطری جدی تلقی کرده و با تمام نیرو بر ضد آن وارد میدان خواهد شد. هشداری‌های خامنه‌ای در رابطه با «هجمه‌ی فرهنگی» و کشتار روشنفکران ایران که به قتل‌های زنجیره‌ای معروف شد، همگی از جمله به این دلیل بوده و هست که رژیم از کار سازمان یافته‌ی اندیشگی که پیش‌شرط فعالیت جدی سازمان‌یافته برضد نظام ولایت فقیه است، هراس دارد و می‌کوشد آن را در نطفه خفه کند. خوشبختانه به برکت فناوری‌های مدرن، امروزه می‌توان سازمان‌های متمرکز در فضای مجازی و نامتمرکز در دنیای فیزیکی ایجاد کرد که میزان آسیب‌پذیری آنها پایین باشد. همچنین به برکت فناوری‌های مدرن امکان ارتباط ناشناس و غیرمستقیم با «مرکز» مجازی فراهم است.
3. مشکل مالی: فعالیت‌های پژوهشی که نیازمند گردآوری داده‌های آماری یا پژوهش‌های میدانی و یا جلب همکاری کارشناسان گوناگون‌اند، بدون سرمایه‌ی مالی دشوار خواهند بود. با این حال کماکان بزرگ‌ترین سرمایه‌ی نیروهای چپ را اندیشه‌های جامعه‌گرایانه (سوسیالیستی) و مردمی تشکیل می‌دهند. یافتن کارشناسان داوطلب برای همکاری با اندیشکده‌های چپ دشوار ولی شدنی است.

پایان سخن

ایجاد اندیشکده‌ها که بنابه سرشت‌شان نهادهای غیرمخفی‌اند، در شرایط اختناق بی‌شک چالشی دشوار پیش روی نیروهای سیاسی چپ به‌شمار می‌آیند. اما آیا به‌راستی در تاریخ معاصر ایران وظیفه‌ای پیش‌روی نیروهای چپ قرار داشته که دشوار و به‌ظاهر ناممکن نبوده باشد؟

منبع‌ها

1. http://www.medientheorie.com/doc/weaver_changing_worlds_of_think_tanks.pdf
2. <https://www.britannica.com/topic/think-tank>
3. <https://people.howstuffworks.com/think-tank.htm>

4. <https://www.bpb.de/apuz/27231/think-tanks-in-deutschland-berater-der-politik?p=all>
Liste der wichtigen Think Tanks in Deutschland
5. https://www.csr-news.net/news/wp-content/uploads/2018/06/005_Denkfabriken_Thunert.pdf
6. <http://gptt.ir/%D8%A7%D9%86%D8%AF%DB%8C%D8%B4%DA%A9%D8%AF%D9%87-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%9F/>

¹ امتیازات تجارت هند شرقی، لندن، 1720، ص 71، برگرفته از «کاپیتال»، مارکس، جلد اول، ص 359، زیر نویس شماره 27، در مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد 23، انتشارات دیتس، برلین 1962

² <https://www.britannica.com/topic/think-tank>

³ <https://people.howstuffworks.com/think-tank.htm>

⁴ در ویکی پدیا در تعریف جامعه فابین آمده است:

فابینیسیم جنبش سوسیالیستی است که در انگلستان پدید آمد. هواداران این جنبش در سال ۱۸۸۴ در جامعه فابین متشکل شدند و از سردمداران این جنبش، سیدنی و بتاتریس وب، جرج برنارد شاو، گراهام والاس و ه.ج.ولز بودند. فابینیسیم یک جنبش مسالمت‌جو است و نام خود را از نام فابوس، سردار رومی، گرفته‌است که با استراتژی صبورانه و جنگ و گریز، هانیبال سردار کارتاژی را شکست داد. به عقیده فابین‌ها، سوسیالیسم از طریق عکس‌العمل مسالمت‌جویانه و تدریجی جامعه در برابر مالکیت انحصاری و در نتیجه پیشرفت دموکراسی سیاسی و تطبیق اصول دموکراسی بر اقتصاد و توسعه مالکیت کلی و تغییر نظر نسبت به اخلاق اجتماعی و احساس مسئولیت در برابر منافع عمومی، پدید می‌آید. برناردشاو و دیگر فابین‌ها از تئوری ارزش مارکس انتقاد می‌کردند و و پیرو نظریه استوارت میل و هنری جورج بودند. بعد از تشکیل حزب کارگر جامعه فابین به آن پیوست اما موجودیت خود را از دست نداد و به صورت یک گروه روشنفکر برای تحقیق و تبلیغ در داخل حزب باقی ماند.

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%A7%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%B3%D9%85>

⁵ <https://www.offiziere.ch/?p=10956>

⁶ مارتین تونرت: اندیشکده‌ها در آلمان، مشاور بخش سیاسی؟ در نشریه: درباره سیاست و تاریخ معاصر، جلد 51، مرکز فدرال در زمینه آموزش‌های سیاسی، 2003، ص 30-38.

⁷ McGann, James G., "2019 Global Go To Think Tank Index Report" (2020). TTCSP Global Go To Think Tank Index Reports. 17.

https://repository.upenn.edu/think_tanks/17

⁸ بنگرید به منبع شماره 7

⁹ <https://www.offiziere.ch/?p=10956>

¹⁰ منبع شماره 7، ص 14

¹¹ <https://ana.ir/fa/news/88/463679/%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%B1%D8%AA%D8%A8%D9%87-18-%D8%AF%D9%86%DB%8C%D8%A7-%D8%A8%D8%A7-60-%D8%A7%D9%86%D8%AF%DB%8C%D8%B4%DA%A9%D8%AF%D9%87-%D9%86%D9%82%D8%B4-%D8%A7%D9%86%D8%AF%DB%8C%D8%B4%DA%A9%D8%AF%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%DA%86%D8%A7%D9%84%D8%B4%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-%D8%AA%D8%B9%DB%8C%DB%8C%D9%86%E2%80%8C%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA>

¹² نشریه جامعه اندیشکده های ایران

<https://www.mehrnews.com/news/4830763/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%B4%D8%A7%D8%B1-%D8%AF%D9%88%D9%85%DB%8C%D9%86-%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87-%D8%A7%D9%86%D8%AF%DB%8C%D8%B4%DA%A9%D8%AF%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>

¹³

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%AF%D9%87:%D8%A7%D9%86%D8%AF%DB%8C%D8%B4%DA%A9%D8%AF%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%B3%D8%AA%D9%82%D8%B1%D8%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>

¹⁴ <https://iranprojectphoenix.org/>